



V. K. 1

جایگاه ساختار و نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی
(با تاکید بر مصر و ترکیه)

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته علوم سیاسی

توسط
محمود مقدس

استاد راهنما
دکتر محمود سریع القلم

۱۳۸۶ / ۱۸ / ۲۸

شهریور ماه ۱۳۸۶

۷۰۴۰۱

دانشگاه شهید بهشتی
کتابخانه مرکزی

تقدیم به

دانشجویان بی ستاره ی دانشگاه شهید بهشتی

که همه ی بی کفایتی ها را به جان می خرند و

دم بر نمی آرند.

برگ تاییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه : جایگاه ساختار و نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی (با تاکید بر مصر و ترکیه)

نام دانشجو : محمود مقدس

دوره : کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه ۱۹/۶/۱۳۸۶ با شماره ۱۹ و درجه عالی مورد

تایید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

استاد راهنما
امضاء

دکتر محمود سریع القلم

استاد مشاور
امضاء

دکتر عبدالعلی قوام

استاد داور
امضاء

دکتر میر احمد معصوم زاده کیانی



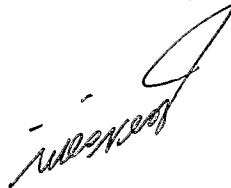
اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی آذر ۱۳۸۵ تا شهریور ۱۳۸۶ به انجام رسیده است. به استثنای کمک های مورد اشاره در سپاس گذاری، گردآوری محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه ها ارائه نشده است.

محمود مقدس

شهریور ۱۳۸۶

امضاء



سپاسگزاری

نگارش و تدوین این مجموعه عملی بود که بی شک بدون مساعدت، دلگرمی و تشویق دیگران میسر نمی گردید. بر خود لازم می دانم که از برخی از این عزیزان قدردانی کنم:

جناب آقای دکتر محمود سریع القلم، استاد راهنما، که در طول نگارش این مجموعه با سخت گیری ها و دقت بجایشان، سکندار شایسته ای در هدایت این پایان نامه بودند و در جمع آوری منابع و مآخذ مورد نیاز از هیچ کمکی فروگذار نمودند.

جناب آقای دکتر عبدالعلی قوام، استاد مشاور، که علاوه بر دوره نگارش پایان نامه در طول دوران تحصیل نیز نکات فراوانی از ایشان آموختم و همواره از نظرات کارشناسانه شان بهره جستیم. سایه شان مستدام و خداوند حافظشان باد.

جناب آقای دکتر میر احمد معصوم زاده کیانی، استاد داور، که از راهنمایی ها و نکته سنجی هایشان بهره بردم و از نهایت بزرگواری و متانتشان محظوظ گشتم.

همچنین از سرکار خانم مهین مرنندی، منشی محترم گروه علوم سیاسی به خاطر همه ی دلسوزی ها و زحمات بی شائبه شان سپاسگزارم.

قدردانی واقعی اختصاص دارد به دوستانم محمد فقیهی، یاسر شریفی و ابوالفضل امیرور که مرا در این راه یاری کردند. بی شک بدون همراهی این عزیزان تدوین این مجموعه بسیار مشکل می نمود.

در پایان سزاوار است از زحمات طاقت فرسای دکتر ملک یحیی صلاحی که با بیش از سی سال سابقه استادیاری چون شمعی می سوزند و همه را از انوار بی دریغ شان محظوظ می کنند و نیز دکتر حسین پوراحمدی یگانه دانشمند عرصه اقتصاد سیاسی کشور که جامعه علمی کشور مرهون وجود گرانش است و رفتار و کردار بی همتایش زبانزد خاص و عام ، نهایت امتنان و تشکر را بنمایم.

عنوان: جایگاه ساختار و نهادهای سیاسی در توسعه اقتصادی (با تاکید بر ترکیه و مصر)

دانشجو: محمود مقدس

استاد راهنما: دکتر محمود سریع القلم

دوره: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

تاریخ ارائه: شهریور ۱۳۸۶

چکیده:

توسعه ی اقتصادی به عنوان یکی از مهم ترین آمال کشورها نیازمند برخی پیش نیازهاست که می توان آنها را با آماده سازی ساختار داخلی از جمله نهادهای سیاسی کارآمد مهیا کرد. تحقیق حاضر قصد بررسی تاثیر این نهادها در روند توسعه ی کشورها را دارد. از این رو، پس از طرح کلیات تحقیق در فصل اول، فصل دوم به مطالعه ی نهادهای سیاسی دو کشور مصر و ترکیه به صورت مقایسه ای می پردازد تا از خلال آن تفاوت ها و تمایزات آنها استخراج شود. فصل سوم به مطالعه ی فرایند اجماع سازی بر سر سیاست های توسعه در دو کشور مزبور می پردازد و با مقایسه میزان باز بودن آنها بحث خواهد کرد که بر خلاف مصر، نخبگان ترکیه با عدم نگرانی از ادغام در تحولات جهانی سبب موفقیت سیاست های توسعه خود گشته اند. فصل چهارم با تجزیه و تحلیل نقش نهادهای سیاسی ترکیه نشان می دهد آنها با ثبات سازی به این روند کمک می کنند در حالی که در مصر در مقابل توسعه مقاومت می کنند. در واقع نهادهای سیاسی بسته به نوع ساختار سیاسی و میزان نهادینگی دو نقش بر عهده می گیرند: تسهیل کننده (ترکیه) و ممانعت کننده (مصر). در خاتمه فصل پنج به پرسش های مطرح شده در فصل اول پاسخ داده و به اثبات فرضیه ها می پردازد.

کلمات کلیدی: توسعه ی اقتصادی، ساختار سیاسی، نهادهای سیاسی، میزان بازبودن، ثبات

۱- فصل اول: کلیات تحقیق	۱
۱-۱ طرح موضوع	۲
۱-۲ علل انتخاب موضوع	۳
۱-۳ بررسی متون موجود	۳
۱-۴ سووال اصلی	۵
۱-۵ سووالات فرعی	۵
۱-۶ مفروض	۶
۱-۷ فرضیه ها	۶
۱-۸ مفاهیم	۶
۱-۹ متغیرها	۷
۱-۱۰ روش تحقیق	۷
۱-۱۱ سازماندهی تحقیق	۷
۲- فصل دوم: جایگاه ساختار سیاسی در نظام تصمیم گیری ترکیه و مصر	۹
۲-۱ ترکیه	۱۰
۲-۱-۱ قانون اساسی	۱۰
۲-۱-۲ قوه مجریه	۱۲
۲-۱-۲-۱ ریاست جمهوری	۱۲
۲-۱-۲-۲ شورای وزیران	۱۴
۲-۱-۲-۳ وظایف و مسوولیت های نخست وزیر	۱۵
۲-۱-۳ سیستم قضایی	۱۶
۲-۱-۳-۱ دادگاه قانون اساسی	۱۶
۲-۱-۴ سیستم قانون گذاری	۱۷
۲-۱-۵ احزاب سیاسی و سیستم انتخاباتی	۱۸
۲-۱-۵-۱ حزب عدالت و توسعه	۲۳
۲-۱-۶ ارتش	۲۴

۲۸ ۱-۶-۲ ساختار سازمانی ارتش ترکیه
۳۲ ۲-۲ مصر
۳۲ ۱-۲-۲ ساختار سیاسی مصر
۳۲ ۱-۱-۲ ریاست جمهوری
۳۴ ۲-۱-۲ کابینه
۳۵ ۲-۲ قوه ی قانون گذاری
۳۶ ۲-۲ قوه ی قضاییه
۳۸ ۲-۲ نظام حزبی و احزاب مصر
۴۰ ۲-۲ ارتش و پلیس
۴۳ ۲-۳ نتیجه گیری
۴۵ ۳- فصل سوم: درجه ی اجماع نخبگان برای توسعه یافتگی
۴۸ ۱-۳ ترکیه و راهبرد توسعه
۵۱ ۱-۱-۳ ترکیه و خصوصی سازی
۵۵ ۲-۱-۳ ترکیه و سرمایه گذاری خارجی
۶۰ ۳-۱-۳ ترکیه و اتحادیه ی اروپا
۷۱ ۴-۱-۳ ترکیه و میزان باز بودن
۷۶ ۲-۳ مصر و توسعه
۸۱ ۱-۲-۳ مصر و خصوصی سازی
۸۴ ۲-۲ مصر و سرمایه گذاری خارجی
۸۷ ۳-۲ مصر و میزان باز بودن
۹۶ ۳-۳ نتیجه گیری
۹۸ ۴- فصل چهارم: نقش نهادهای سیاسی در توسعه ی اقتصادی
۱۰۰ ۱-۴ نهادهای سیاسی ترکیه و توسعه یافتگی
۱۰۰ ۱-۱-۴ ارتش
۱۰۴ ۲-۱-۴ پارلمان
۱۰۷ ۳-۱-۴ سیستم قضایی

۱۰۸ ۴-۱-۴ احزاب
۱۱۱ ۴-۲ نهادهای سیاسی مصر و توسعه یافتگی
۱۱۱ ۴-۲-۱ ارتش
۱۱۲ ۴-۲-۲ پارلمان
۱۱۶ ۴-۲-۳ سیستم قضایی
۱۱۸ ۴-۲-۴ احزاب
۱۲۰ ۴-۳ نتیجه گیری
۱۲۴ ۵- فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۲۵ ۵-۱ نتیجه گیری پایانی

فصل اول

کلیات تحقیق

۱- طرح موضوع

طی دو دهه ی گذشته درجه ی ورود کشورها به اقتصاد بین الملل به میزان قابل توجهی به میزان توسعه یافتگی آنها پیوند خورده است. در فرآیندهای نوین جهانی شدن گفته می شود که میان توسعه و ورود به صحنه بین الملل تقارن مثبتی وجود دارد. آماده سازی نظام داخلی از نظر نظام بانکی، ساختار اداری، فرهنگ کار، نظام حقوقی و کارآمدی دولت از جمله شرایطی هستند که تقارن فوق را تسریع می بخشند. علاوه بر موارد ساختاری فوق، مجموعه ی نظام سیاسی و درجه ی اجماع میان گرایش های مختلف در توسعه یافتگی و نیز اولویت های آنها برای توسعه یافتگی از جمله عوامل تعیین کننده هستند. کشورهای در حال توسعه ای چون کره جنوبی، چین، مالزی، و سنگاپور طی دو دهه ی گذشته به خوبی نشان داده اند که با اصلاح ساختار داخلی، زمینه ی افزایش ثروت ملی فراهم می شود. نظام بوروکراتیک سهل، تشویق سرمایه گذاری خارجی از طریق آسان سازی نظام اداری و قوانین تشویقی، نظام بانکی و اداری کارآمد از جمله اقدامات تدریجی و اساسی این کشورها در سال های اخیر بوده است. در این تحقیق به دو نمونه ی خاورمیانه ای اشاره خواهد شد. بدین صورت که ترکیه با اتخاذ سیاست های تسهیل کننده ی فوق در مسیر توسعه گام های موفقیت آمیزی برداشته در حالی که مصر به دلیل ساختار سیاسی امنیتی اش و حاکمیت نظام الیگارشسی در این مسیر چندان موفق نبوده است.

۲- ۱ علل انتخاب موضوع

مسأله‌ی توسعه یافتگی و چگونگی حصول آن همواره یکی از حوزه‌های مورد علاقه‌ی محققان بوده است. اینکه چگونه برخی کشورها به موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی دست می‌یابند در حالی که برخی دیگر خیر، زمینه‌ها و مشوق‌های توسعه یافتگی چیستند، کلید توسعه یافتگی چیست و سوالاتی از این دست، همواره پرسش‌های اساسی مطرح شده برای اذهان جستجوگر بوده است. در مورد انتخاب این موضوع برای تحقیق حاضر، توصیه‌ی استاد بر علاقه‌ی محقق مزید شده بعلاوه اینکه تجربه‌ی مستقیم موضوع از دیگر عوامل این انتخاب است. ایران به کنوان کشوری که سال‌ها پیش از سایر کشورهای منطقه به جستجوی راز توسعه یافتگی پرداخت کماکان به گونه‌ای کجدار و مریز و سینوسی در این روند گام برمی‌دارد و به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته است راهی درست و مورد اتفاق را در پیش بگیرد.

۳- ۱ بررسی متون موجود

در بحث بررسی متون مکتوب در مورد ترکیه می‌توان به کتاب‌شناسی متنوع و گسترده‌ای دست یافت. برخی از این متون ترجمه و برخی دیگر تالیف نویسندگان و پژوهندگان ایرانی است. از این میان می‌توان به آثاری همچون «تعامل دین و دولت در ترکیه»، «اصول سیاست خارجی»، «ترکیه در قرن بیست و یک»، «ترکیه و اصلاح طلبان»، «ترکیه، دمکراسی مدرن، احزاب»، «انتخاب دشوار ترکیه: اروپا یا اسلام؟» اشاره کرد. هر یک از این کتب به جنبه‌هایی از سیاست، اقتصاد، مذهب،

جامعه، ... ترکیه اشاره کرده اند. به عنوان مثال کتاب تعامل دین و دولت در ترکیه به نقش و پیشینه ی اسلام در تاریخ سیاسی ترکیه از زمان عثمانی تا به امروز می پردازد و یا کتاب دوم به سیاست خارجی در منطقه و در قبال امریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای خاورمیانه می پردازد. کتاب های دیگر نیز به سایر جنبه های روابط و تعاملات داخلی و خارجی این کشور اشاره دارند اما هیچ یک موضوعی را که پژوهش حاضر بر مبنای آن بنا شده مد نظر خود قرار نداده اند. نقش و اهمیت ساختار سیاسی در توسعه کشور ترکیه نکته ای است که هیچ یک از این کتاب ها بدان اشاره ای نکرده اند. همین نکته در ادبیات مربوط به کشور مصر نیز به چشم می خورد. متون مکتوب موجود در مورد مصر به گستردگی ترکیه نیست و موضوعات مطرح شده در آن نیز به نکته ی مورد بحث این تحقیق اشاره نداشته اند. «مبارک، فرافکنی مشکلات داخلی مصر» همان طور که از نام آن پیداست به سیاست های مبارک در عرصه ی داخلی می پردازد. «پاییز خشم» نوشته ی حسنین هیکل نیز به لحاظ تاریخی به تحولات سیاسی دهه های ۵۰ و ۶۰ مصر می پردازد. به طور کل کتاب های ترجمه شده در مورد مصر از گستردگی چندانی برخوردار نبوده و محقق با فقر موضوعی در این باب مواجه بوده و هیچ یک از کتاب های مطرح شده نتوانسته اند کمک مطلوبی بنمایند. بنابراین از متون و مقالات انگلیسی معتبر استفاده شد تا بررسی دقیق تری به عمل آید. در واقع تازگی این کار در نبود منابع فارسی و معتبر در کار تالیف این پژوهش بوده است.

۴- ۱ سووال اصلی

سووال اصلی این تحقیق بدین صورت مطرح می شود که: ساختار و نهادهای سیاسی ترکیه و مصر چه تأثیری بر روند توسعه ی اقتصادی آنها در دو دهه اخیر داشته اند؟

۵- ۱ سووالات فرعی

این تحقیق سه سووال فرعی دارد. اول اینکه : جایگاه ساختار سیاسی در نظام تصمیم گیری این دو کشور چگونه است؟
دوم : درجه ی اجماع سیاسی برای توسعه یافتگی اقتصادی در این دو کشور به چه صورت است؟
و سوم : نهادهای سیاسی ترکیه و مصر تا چه میزان عامل تسهیل کننده فرایندهای اقتصادی بوده اند؟

بنابراین فصل بندی این تحقیق عبارتست از :

فصل اول: طرح تحقیق (اصول یازده گانه)

فصل دوم : بررسی جایگاه ساختار سیاسی در نظام تصمیم گیری

فصل سوم : درجه ی اجماع سیاسی در فرایند توسعه ی دو کشور

فصل چهارم : نقش تسهیل کننده ی نهادهای سیاسی در روند توسعه

فصل پنجم : نتیجه گیری: بررسی رابطه میان توسعه ی اقتصادی و نهادهای سیاسی

ترکیه و مصر.

۶-۱ مفروض

ساختار سیاسی یک کشور عامل تعیین کننده در تسهیل توسعه اقتصادی آن کشور است.

۷-۱ فرضیه ها

(۱) علیرغم تنوع جریان های سیاسی از چپ تا اسلام گرا در ترکیه که در دو دهه ی اخیر فرصت مدیریت کشور را داشته اند اجماع سیاسی به طور فراگیر در میان همه آنها جهت ورود ترکیه به فرایندهای اقتصاد جهانی، عضویت در اتحادیه اروپا و ایجاد اتصالات ساختاری میان اقتصاد ترکیه و اقتصاد کشورهای توسعه یافته وجود داشته است که این امر به افزایش شاخص های رشد در این کشور انجامیده است.

(۲) با توجه به تمرکز قدرت و وجود نظام الیگارشیک در مصر فرصت تولید و توزیع ثروت در این کشور محدود بوده است. هر چند حکومت مصر در ایجاد اتصالات بین المللی مشکل سیاسی نداشته اما ساختار داخلی سیاسی مصر تسهیل کننده فعالیت های آزاد اقتصادی نبوده است.

۸-۱ مفاهیم

مفاهیم مورد استفاده در این تحقیق ساختار و نهادهای سیاسی و توسعه اقتصادی می باشند.

۹-۱ متغیرها

متغیرهای مستقل این تحقیق اجماع سازی، تشویق سرمایه گذاری خارجی، خصوصی سازی و اتصالات با اقتصاد جهانی در مورد ترکیه و وجود نظام الیگارشیک، امنیتی بودن ساختار سیاسی و فرایند متمرکز تصمیم گیری در مورد مصر است. متغیر وابسته نیز توسعه اقتصادی می باشد.

۱۰-۱ روش تحقیق

روش این تحقیق مقایسه ای، مبتنی بر تحلیل محتوای مواضع رسمی اعلان شده، بیانیه ها و سخنرانی های نخبگان دو کشور است.

۱۱-۱ سازماندهی تحقیق

در این تحقیق سعی شده است به تأثیر ساختار سیاسی ترکیه و مصر بر روند توسعه اقتصادی آنها طی دو دهه ی اخیر پرداخته شود. لذا فصول این تحقیق بر مبنای سوالات فرعی طراحی شده است. در فصل اول به طراحی تحقیق پرداخته شده است. فصل دوم به بررسی مقایسه ای نقش و جایگاه نهادهای سیاسی تصمیم گیری این دو کشور می پردازد. در این فصل این نکته مورد بحث قرار می گیرد که تفاوت ها و تمایزات ساختاری دو کشور به چه صورت است و نحوه ی عملکرد نهادهای سیاسی دو کشور چگونه است. فصل سوم به بررسی درجه ی اجماع سیاسی موجود در این کشورها

اختصاص یافته است. در این فصل با بررسی عملکرد دو کشور طی دو دهه ی گذشته و نیز بررسی آراء، بیانیه ها، سخنرانی ها و سیاستگذاری های نخبگان دو کشور، میزان اجماع این نخبگان در تصمیم سازی ها مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنین میزان باز بودن دو کشور به روی تحولات داخلی و بین المللی نیز مورد بحث قرار می گیرد و رابطه ی آن با درجه ی اجماع سازی بررسی می شود. فصل چهارم نیز به نقش تسهیل کننده و ممانعت کننده ی نهادهای مزبور در فرایند توسعه پرداخته و نشان داده خواهد شد که چگونه این نهادها در فرایند توسعه ی دو کشور تاثیرگذار بوده اند. با توجه به موارد فوق در فصل آخر به جمع بندی و نتیجه گیری در مورد سووال اصلی خواهیم رسید و فرضیه های مطرح شده مورد آزمون قرار خواهد گرفت.

فصل دوم

جایگاه ساختار سیاسی در نظام تصمیم گیری

مصر و ترکیه

۱-۱-۲ قانون اساسی

جمهوری ترکیه تفکیک قوا را همانند سایر دموکراسی های معاصر پذیرفته است. در مقدمه ی قانون اساسی تأکید گردیده که تفکیک قوا به معنای یک نظم برتر میان ارگان های دولت نیست بلکه از اختیارات تعریف شده دولت و کارکردهای آن تشکیل یافته است. اصل مذکور در اولین قانون اساسی جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ لحاظ شده بود. در این قانون عنوان شده بود که اقتدار بی قید و شرط و نامحدود متعلق به ملت است اما اعمال اقتدار بر عهده ی پارلمان است. در نتیجه در قانون اساسی ۱۹۲۴، علیرغم قید این نکته که مصوبات نباید در تعارض با قانون اساسی باشد، هیچ ارگانی که بتواند آن را کنترل نماید وجود نداشت. به عبارتی، نحوه اعمال قانون اساسی پیش بینی نشده بود. با این حال پس از برقراری سیستم چند حزبی در سال ۱۹۴۷ و اجازه ی حضور اپوزیسیون در انتخابات ۱۹۵۰، نیاز به نظارت بر پارلمان احساس شد. این امر ابتدا توسط روشنفکران و سپس احزاب سیاسی گوشزد شد و در قانون اساسی سال ۱۹۶۱ برای نخستین بار اصل تفکیک قوا و نحوه اجرای قانون اساسی پیش بینی گردید و ماده ای در مورد دادگاه قانون اساسی در قانون قید شد. بنابراین، این نکته که قوانین مصوب باید منطبق بر قانون اساسی باشند جنبه ی عملی یافت. مردم حاکمیت خود را از طریق انتخابات به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق ارگان های دارای صلاحیت در چارچوب قانون اعمال می کنند. قوه های مجریه، مقننه، و قضاییه از جمله این ارگان ها هستند. مجلس عالی قانون گذاری ترکیه (TGNA) نهاد اعمال